

بازخوانی سبک زندگی تاثیرگذارترین رهبر قرن بیستم

۳۱ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۴۳

دیدم امام در حالی که جلوی اتاق قدم می‌زند و فرمودند: «کی اینجاست؟» گفتم: «من هستم». فرمودند: «اینجا چکار می‌کنی؟» گفتم: «چراغ اتاق خانم روشن نمی‌شد و یک سرپیچ خریدم که روشن بشود.» گفتند: «تو به این چه کار داری؟» گفتم: «این لامپ را جابجا کرده‌ام که نور مساوی باشد، سرپیچ آن شکست لذا به جای آن یکی دیگر خریدم و نصب کردم.»... بعد به من فرمودند: «بردار ببر، همان چراغ کافی است.» و با ناراحتی ادامه دادند

یک روز در نجف خانواده شهید آیت الله صدر می‌خواست به منزل امام بیاید. در اتاق خانم امام دو چراغ بود که یکی از آنها سوخته بود. من برای اینکه این سر اتاق تاریک نباشد و از طرفی خانم هم می‌گفت من چه کار کنم آقا هم اجازه نمی‌دهد چراغها را عوض کنم، تصمیم گرفتم چراغی را که در حیاط بود و نور خوبی داشت درآورده به جای آن لامپ سوخته بگذارم. پلکان را آورم و لامپ را با نورگیرش در آوردم که نصب کنم، ته لامپ شکست. لامپهای آنجا مثل ایران پیچی نبود بلکه میخ داشت، لذا یک سر پیچ به ده فلس خریدم و به اتاق بردم که نصب کنم. دیدم امام در حالی که جلوی اتاق قدم می‌زند و فرمودند: «کی اینجاست؟» گفتم: «من هستم». فرمودند: «اینجا چکار می‌کنی؟» گفتم: «چراغ اتاق خانم روشن نمی‌شد و یک سرپیچ خریدم که روشن بشود.» گفتند: «تو به این چه کار داری؟» گفتم: «این لامپ را جابجا کرده‌ام که نور مساوی باشد، سرپیچ آن شکست لذا به جای آن یکی دیگر خریدم و نصب کردم.»... بعد به من فرمودند: «بردار ببر، همان چراغ کافی است.» و با ناراحتی ادامه دادند: «تو، مصطفی، خانم، اقلیم(کارگر منزلشان) همه شما دست به یکی کرده اید که مرا به جهنم بفرستید. شما احتیاط نمی‌کنید.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۵۳۸/بازخوانی-سبک-زندگی-تاثیرگذارترین-رهبر-قرن-بیستم>